

دفتر اول



با تجدید نظر و اصلاحات

آنچه شنیدہام از آنان کہ دیدہام

سید مجتبیٰ بحرینے

ما سمعت ممّن رأیت

آنچه شنیده‌ام از آنان که دیده‌ام

دفتر اوّل

با تجدید نظر و اصلاحات

سید مجتبیٰ بحرینی

● مراکز پخش مشهد:

○ ۲۸۵۵۵۹۴۷ ○ ۲۷۲۶۲۵۵۶ ○

○ ۰۹۱۵ ۵۰۵ ۹۶۸۸ ○

● خرید آنلاین:

dinook.ir

✓ ماسمعت ممتن رأیت، آنچه

شنیده‌ام از آنان که دیده‌ام

□ سید مجتبی بحرینی

● ناشر: انتشارات ژیکان

● حروف نگاری و صفحه‌آرایی: حروفچینی مشق

● چاپ: دقت ● شمارگان: ۵۰۰ نسخه ● چاپ سوم، ۱۴۰۰

● شابک: ۹۷۸۶۲۲۶۹۴۸۲۷۰۲

● کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

■ قیمت: ۱۲۵/۰۰۰ تومان

سرشناسه	بحرینی، مجتبی، ۱۳۲۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: ماسمعت ممن رأیت، آنچه شنیده‌ام
از آنان که دیده‌ام / سید مجتبی بحرینی.	
مشخصات نشر	: مشهد، ژیکان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۶۵۰ ص
شابک	: ۹۷۸۶۲۲۶۹۴۸۲۷۰۲
وضعیت فهرست نویسی	: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
یادداشت	: کتاب حاضر در سال ۱۳۹۲ توسط انتشارات آفتاب عالمتاب منتشر شده است
موضوع	: مجتهدان و علما -- ایران -- خاطرات
موضوع	: اسلام -- مطالب گونه گون
موضوع	: اخلاق اسلامی -- مطالب گونه گون
رده بندی کنگره	: BP ۵۵/۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۹۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۰۱۶۹۱

فهرست

۱. ابراهیمیان، حبیب ۱۱
۲. ابراهیمی نژاد، مهدی ۱۵
۳. ابن الرضا، سید مهدی ۱۸
۴. اخلاقی، عباس ۲۱
۵. اسدی مقدم، غلامرضا ۲۳
۶. اسکندری، مصطفی ۲۵
۷. امامی، سید مهدی ۳۴
۸. امیدواری، صادق ۳۸
۹. امینی سبزواری، سید علی اصغر ۴۲
۱۰. انصاری، محمود ۴۵
۱۱. ایروانی، رضا ۴۷
۱۲. بخارایی، محمدرضا ۵۲
۱۳. بهجت، حضرت آیه الله حاج شیخ محمد تقی ۵۷
۱۴. بهی، حسین ۵۹
۱۵. پوستشور، نقی ۶۴
۱۶. توسل، محمد اسماعیل ۶۹
۱۷. تهرانی کیا، محمد ۷۴
۱۸. جلیلی، سید جلیل ۸۸
۱۹. حلبی، محمود ۹۳
۲۰. حیدری، رضا ۱۰۲
۲۱. خرازی، جعفر ۱۰۵
۲۲. خلخالی، سید مهدی ۱۰۹
۲۳. خندق آبادی، محمد جواد ۱۱۲
۲۴. خوانساری، حضرت آیه الله حاج سید احمد ۱۳۵
۲۵. ذرافشان، سید حسن ۱۴۲
۲۶. دستمالچی - رومینا - ، کریم ۱۴۷
۲۷. ذبیحی، ذبیح الله ۱۵۳
۲۸. ذبیحی، محمد باقر ۱۷۴

- ۱۷۸..... ۲۹. رضوی طوسی، سید رضا
- ۱۹۲..... ۳۰. رضوی طوسی، سید محمد حسن
- ۱۹۵..... ۳۱. رضوی کشمیری، سید محمد رضی
- ۱۹۹..... ۳۲. رضوی کشمیری، سید مرتضی
- ۲۰۴..... ۳۳. ریاحی، مهدی
- ۲۱۰..... ۳۴. سالاری، شجاع‌الدین
- ۲۱۵..... ۳۵. سجادی، سید حسین
- ۲۳۹..... ۳۶. سعیدی کاشمیری، محمد صادق
- ۲۴۲..... ۳۷. سیدان، سید جعفر
- ۲۷۳..... ۳۸. شجاعی، سید حسین
- ۲۸۳..... ۳۹. شهرستانی، سید نورالدین
- ۲۸۷..... ۴۰. صافی گلپایگانی، حضرت آیه الله حاج شیخ علی
- ۲۹۳..... ۴۱. صافی گلپایگانی، حضرت آیه الله حاج شیخ لطف‌الله
- ۳۰۱..... ۴۲. عابدزاده، علی اصغر
- ۳۰۵..... ۴۳. عسکری، علی اصغر
- ۳۰۹..... ۴۴. علامه مداح، محمد
- ۳۲۴..... ۴۵. علم الهدی، محمد باقر
- ۳۲۹..... ۴۶. علوی بروجردی، محمد حسین
- ۳۳۲..... ۴۷. علوی بروجردی، سید محمد جواد
- ۳۴۰..... ۴۸. کاظمی، حبیب
- ۳۵۷..... ۴۹. کتابچی، سید مرتضی
- ۳۶۹..... ۵۰. محدث زاده، محسن
- ۳۸۰..... ۵۱. مروارید، میرزا حسن علی
- ۳۸۷..... ۵۲. مقدسی، محمود
- ۳۹۱..... ۵۳. نجات، حسین
- ۳۹۶..... ۵۴. واعظزاده خراسانی، عبدالحسین
- ۳۹۸..... ۵۵. واعظ یزدی، عبدالله
- ۴۱۳..... ۵۶. وجدانی، جواد
- ۴۱۷..... ۵۷. وحید خراسانی، حضرت آیه الله حاج شیخ حسین
- ۴۲۸..... ۵۸. ولایی، مهدی
- ۵۰۳..... دیگران

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس و حمد از آن آن که آنان را هستی بخشید، و به طفیل آنان دگران را آفرید، و سلام و درود بر آنان که وجود سایه‌ای از بودشان و هستی نشانی از هستی شان.

یعنی نخستین نمود بود حضرت محمد محمود صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و دودمان مسعود و خاندان محسود او، امیرالمؤمنین المرتضی و فاطمة الزهراء و الحسن المجتبی و الحسین سید الشهداء و علی السجاد و محمد الباقر و جعفر الصادق و موسی الکاظم و علی الرضا و محمد الجواد و علی الهادی و الحسن العسکری و الحجة المنتظر المهدی عليه السلام.
و نفرین و لعن و عذاب و دوری از رحمت بر دشمنان و ستم آوران و حق ربایان آنان.

سخنی پیش از سخن‌ها

نوشتاری که در پیش دارید گزینش و پیرایشی است از مجموعه‌ای که در مدتی پیش از سی سال به عنوان یاد مانی خودم فراهم آورده بودم و بعضی از دوستان و نزدیکان که بیش و کم از آن با خبر بودند پیوسته تشویق به بازنویسی و آماده نمودن آن برای انتشار داشتند ولی به واسطه جهاتی پذیرا نمی‌گشتم. تا آن که سرانجام از این جهت که شاید

از این طریق هم بتوان خدمتی نمود و زمینه‌ای برای هدایت و رشد فراهم آورد بر آن شدم که خواسته آنان را اجابت نموده و اقدام به فراهم آوردن مقدمات نشرش بنمایم، امید که توفیق همراه باشد و توان همگام و موفق به اتمام آن گشته و آغازش را به انجام رسانم.

پیش از گشودن اوراق این دفتر و باز نمودن درهای این گلشن یاد آوری نکات و تذکر اموری ضروری می‌نماید:

۱. این مجموعه فراهم آمده از مسموعات و گرد آمده از شنیده‌ها است؛ می‌دیدم در بسیاری از مجالس و محافل و ملاقات‌ها و رفت و آمدها و نشست و برخاست‌ها در سفر و وطن از طبقات مختلف مردم مطالبی شنیده می‌شود و وقایع و رویدادهایی استماع می‌گردد و مواعظ و نصایحی به گوش می‌رسد و از نکات و دقایقی سخن به میان می‌آید که نوعاً در جایی نقل نشده و در نوشته‌ای نیامده و نوع آنها مطالب ارزنده و قابل توجهی است، که اگر جمع نشود چه بسا به مرور زمان و گذشت روزگار از بین برود و کاستی یا فزونی پیدا کند.

لذا بر آن شدم تا آنجا که میسر است و ممکن، گفته‌های از قید زبان رسته را به زنجیر قلم اسیر سازم و مناسب است آن را «ما سمعت مِّن رأیت» «آنچه شنیده‌ام از آنان که دیده‌ام» نام بگذارم.

۲. چون موضوع و محور در این مجموعه و نوشتار، گفتار و مسموعات است گردآورنده هیچ تعهدی نسبت به آنها ندارد و نوعاً با نام و نشان به صرف نقل اکتفا می‌کند، و تضمینی راجع به آنها ندارد همین قدر مطالبی است که مخالفتی با عقل و شرع در آنها دیده نمی‌شود و امکان تحقق و وقوع در آنها می‌رود و از افراد مورد اعتماد و اطمینان شنیده شده و یا نقل گردیده است و چون احتمال مفید بودن

در آنها می‌داده به جمع و نقلش پرداخته است.

۳. باید توجه داشت آنچه در این گنجینه آمده فقط کاربردش در محدوده خود آنهاست و هیچ‌گونه امر دیگری را ثابت نمی‌کند و به تعبیر علمی، اصول مثبت‌ه‌اش حجت نیست، چه بسا ممکن است شخصی در لحظه‌ای مشمول لطف و عنایتی واقع شود و موهبتی به او ارزانی گردد، و یا در خصوص پرسشی پاسخی حکیمانه بیاورد ولی این مطلب اقتضا ندارد که پس او پیوسته چنین بوده یا هر چه گفته مقرون به راستی و درستی باشد، خیر؛ فقط در محدوده خود نقل با حفظ همه خصوصیات و قیود مورد توجه و عنایت است و نمی‌توان به استناد جریان و واقعه‌ای و یا گفتار و کرداری که از کسی در این جا آمده حکم عامی استنباط کنیم و آن را در همه موارد مشابه نسبت به خود او و یا دیگری جاری سازیم.

۹

سخنی پیش از سخن‌ها

۴. با این که نوع مطالب از علمای اعلام، شخصیت‌های با نام و نشان و صاحبان کمال در ابعاد مختلف نقل شده، ولی از عناوین اعتباری و القاب اصطلاحی آنان استفاده نشده - جز در مورد مراجع عظام - لذا از همه آنان، از این جهت معذرت خواسته؛ و با توجه به «العدر عند الکرام مقبول» آن را مقبول می‌دانیم.

۵. برای سهولت دسترسی و آسانی پی‌گیری مطالب، نام عزیزانی را که خاطراتی از آنان آورده‌ام به ترتیب حروف الفبا تنظیم نموده و فصل آخرین - دیگران - را به کسانی که خاطرات کمتری از آنان داشته‌ام اختصاص داده‌ام.

۶. در پایان مقدمه، از تأخیر انتشار و دیر شدن عرضه این مجموعه از همه عزیزان به خصوص بزرگوارانی که مکرر در مکرر در

مقام پی گیری و طلب بوده اند معذرت می خواهم. همچنین از زحمات بسیار و خدمات فراوان نور چشم معزز فاضل مکرم جناب آقای سید محمد باقر بحرینی که فراهم آمدن فعلی این مجموعه مرهون زحمات ایشان است تشکر و سپاس دارم.

امید که این اوراق نقشی در تعلیم و تربیت ایفا کند و این صفحات صفایی به جانها بیخشد و این خطوط موجبات گام نهادن در خط کمال را فراهم آورد.

مشهد مقدس - سید مجتبی بحرینی

سه شنبه ۲۰ شعبان المعظم ۱۴۳۳

۱۳۹۱/۴/۲۰

چند جمله دیگر

نظرات مثبت و منفی که از طبقات مختلف نسبت به این مجموعه در طول این مدت اظهار شده، سپاس نگارنده را فراهم آورده و چه بسا از آنان که نقد آورده اند سپاس بیشتر، که در این چاپ بخشی از آنها انجام شده و با اصلاحات و حذفیات و اضافات شناسه ای عرضه می گردد.

مشهد مقدس - سید مجتبی بحرینی

چهارشنبه ۸ رمضان المبارک ۱۴۴۲

۱۴۰۰/۲/۱

۱. ابراهیمیان، حبیب*

● گفتند: یکی از رفقای روحانی گفت: در سفری که با اتوبوس از تهران به مشهد می‌آمدم، در کنارم یک جوان شیک پوش مستفرنگی نشست. میان راه وقتی هنگام نماز شد، این جوان به راننده اصرار کرد که برای اداء نماز اول وقت نکه دارد. از گفتار او خیلی تعجب کردم چون ظاهر او به گونه‌ای نبود که چنین مطلبی بگوید. از او سؤال کردم علت اصرار شما چیست؟ گفت: من تازه از فرنگ آمده‌ام، و آن جا تحصیل می‌کردم. وقتی آنجا بودم لازم بود در دو امتحان که در دو شهری که فاصله زیادی با یکدیگر داشت شرکت کنم. با ماشین از این شهر به آن شهر می‌رفتم که در بین راه ماشین خراب شد و هر کار کردم درست نشد. کم‌کم داشتم مأیوس می‌شدم که به امتحان نمی‌رسم. و نرسیدن من به امتحان مساوی بود با هدر رفتن زحمات یک ساله‌ام. در همین حال بودم که یک مرتبه به یاد حرف مادرم افتادم که می‌گفت: در مشکلات توّسل به امام زمان علیه السلام بجوید که آقا عنایت می‌کنند. در همان حال به حضرتش متوسل شدم و با خود عهد کردم اگر حضرت عنایت فرمودند و من به امتحان رسیدم همیشه نمازم را اول وقت

*. متولد ۱۳۲۴ شمسی در شاهرود، از ائمه جماعت و فضیای حوزه علمیه مشهد و از افاضل تلامذ ما.

بخوانم. تا این معنا از ذهنم گذشتت بدون فاصله‌ای دیدم شخصی پیدا شد و جلوی ماشین را بلند کرد و مختصر کاری کرد و ماشین درست شد. بعد خودش هم سوار شد و مقداری با من آمد. وقتی خواست پیاده شود رو به من کرد و گفت: به عهدی که با امام زمانت نمودی وفا کن. و از نظرم ناپدید شد. لذاست که مقید به نماز اول وقت هستم.

● گفتند: سیدی در شاهرود مقداری نان خشک بدون گرفتن عوض به یک سید نمکی ضعیف الحال می‌دهد، شب مادرش را با وضع خوبی در خواب می‌بیند، می‌گوید: مادر چرا نان خشک برای من فرستادی، مگر نمی‌دانی من دندان ندارم.

● از مرحوم حاج احمد رثایی نقل کردند که می‌گفت: شخصی بود به نام آقای تزویدی که حالاتی داشت و می‌گفت: در زمان جوانی و در دوران تجرد وقتی نجف بودم، یک روز در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برایم حالتی پیدا شد، به حضرت عرض کردم، آقایکی از حوریه‌های آن عالم را در این دنیا برای من بفرستید. از حرم بیرون آمدم، دیدم زنی دنبال من می‌آید و خودش را به عنوان عقد انقطاعی عرضه می‌دارد. من هم پذیرفتم. گفت: نسبت به مدتش خوب فکر کن که قابل تمدید نیست. گفتم: یک روز باشد. رو کرد به گنبد امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: به صاحب این گنبد قسم هر مدتی که قرار بگذاریم قابل تغییر و تمدید نیست، خوب فکر کن. گفتم: یک هفته باشد. باز حرفش را تکرار کرد اتمام حجت نمود. گفتم: باشد، یک هفته کافی است. رفتیم، دیدم آنچه را که قابل توصیف نیست. گفت: من حوریه‌ای بودم که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تقاضا کردم. مدت یک هفته سپری شد و مدت تمام شد. آن چنان حالت ندامت و حسرتی

برای من پیدا شده بود که قابل وصف نیست. هر چه تقاضای ادامه مدت کردم، گفتم: من که اول گفتم، اگر اول چندین سال مدت قرار می‌دادی، حرفی نبود.

● گفتند: وقتی در نزد مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی این شبهه عنوان می‌شود که چگونه امام عصر علیه السلام می‌توانند با این وسائل امروزی با دنیا مقابله کنند؟ ایشان می‌خی می‌دهد که به دیوار بکوبند، بعد از کوبیدن میخ هر چه ماشین می‌آید، متوقف می‌شود و نمی‌تواند راه برود. میخ را در می‌آورند همهٔ وسائل حرکت می‌کند. می‌گویند: من که یک طلبه هستم چنین می‌کنم، امام زمان علیه السلام تعجب دارد چنان کنند؟!

● می‌گفتند دکتری بود در گرگان که معالجات عجیبی داشت، از جمله زنی رفته بود چیزی از بالای رف و طاقچه بردارد، دو دستش خشک شده و همان طور مانده بود. هر جا برای معالجه رفته بودند، اثری نبخشید. تا به او مراجعه می‌کنند، می‌گوید: شوهرش هم با او بیاید. وقتی وارد اتاق می‌شوند به شوهرش می‌گوید: او را بالای تخت بگذار، که من می‌خواهم شلوار او را پایین بکشم، تا دست دکتر به طرف شلوار آن زن می‌رود یک مرتبه دستهایش را پایین آورده و خوب می‌شود. دکتر می‌گوید: بردار همسرت را ببر خوب شد و هیچ دارویی نیاز ندارد.

● و نقل کردند: کسی در شاهرود پسرش از روی بام می‌افتد، او را به بیمارستان می‌برند، می‌گویند: ۹۸ درصد کارش تمام است. مدتی که می‌ماند و مایوس می‌شود، می‌گوید: می‌خواهم بچه‌ام را به مشهد ببرم. می‌گویند: ساعتی دیگر می‌میرد. می‌گوید: باشد، این که می‌خواهد این جا بمیرد در راه مشهد بمیرد. این پول، شما آمبولانس با دکتر و تجهیزات

در اختیار من بگذارید. قبول می‌کنند، پسر را میان آمبولانس گذارده پدر و مادر دو طرفش می‌نشینند. دکتر همراه می‌گوید: به میامی نرسیده می‌میرد، دستش را میان دستت بگیر وقتی نبض از کار افتاد به شیشه بزن که برگردیم و بی جهت این همه راه تا مشهد برویم. نزدیک میامی که می‌رسند، پدر متوسل به حضرت رضا علیه السلام می‌شود و مشغول گریه و مادر هم منقلب می‌گردد. ناگهان بچه‌ای که چند روز است نه حرف زده و نه حرکت و جنبشی داشته، برخاسته می‌نشیند و مشغول حرف زدن می‌شود. می‌پرسد: این جا کجاست؟ می‌گویند: میان آمبولانس است. می‌گوید: نه حرم حضرت رضا علیه السلام است. معلوم می‌شود حضرت را در خواب دیده و حضرت شفا مرحمت فرموده‌اند. پدر به شیشه می‌زند. آمبولانس را نگه می‌دارند. دکتر پایین می‌آید می‌گوید: مُرد؟ می‌گویند: نه، خوب شد. همگی مشغول گریه شده. طبیب می‌گوید: برگردیم. پدر می‌گوید: من که پول تا مشهد را به شما داده‌ام. خلاف ادب است که برگردیم. برویم مشهد زیارت و تشکری از حضرت نموده و مراجعت نماییم.

همچنین سال بعد برای خود پدر بیماری مهلکی پیش می‌آید که در سایهٔ توسل به حضرت رضا علیه السلام شفا حاصل می‌شود.

دفتر دوم



آنچه شنیدہام از آنان کہ دیدہام

سید مجتبیٰ بحرینے

ما سمعت ممّن رأيت

آفچه شنیده‌ام از آنان که دیده‌ام

دفتر دوّم

سید مجتبیٰ بحرینی

● مراکز پخش مشهد:

۳۸۵۵۵۹۴۷ ○ ۳۷۲۶۲۵۵۶ ○

۰۹۱۵ ۵۰۵ ۹۶۸۸

● خرید آنلاین:

dinook.ir ○

✓ ماسمعت ممتن رأیت

آنچه شنیده‌ام از آنان که دیده‌ام (دفتر دوم)

□ سید مجتبی بحرینی

● ناشر: انتشارات ژیکان

● چاپ: دقت ● شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ● چاپ اول، ۱۳۹۹

● شابک: ۹۷۸۶۲۲۶۹۴۸۱۵۹

● کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

■ قیمت: ۸۰/۰۰۰ تومان

سرشناسه	: بحرینی، مجتبی، ۱۳۲۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: ماسمعت ممتن رأیت، آنچه شنیده‌ام از
آنان که دیده‌ام (دفتر دوم) / سید مجتبی بحرینی.	
مشخصات نشر	: مشهد: ژیکان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۴۴۸ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸۶۲۲۶۹۴۸۱۵۹:
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
موضوع	: مجتهدان و علما -- ایران -- خاطرات
موضوع	: اسلام -- مطالب گونه گون
موضوع	: اخلاق اسلامی -- مطالب گونه گون
رده بندی کنگره	: BP ۵۵/۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۹۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۷۱۸۷۵
وضعیت رکورد	: فیپا

فهرست

- گفتار پیشین ۱۱
۱. آبروشن، محمدرضا ۱۸
۲. آدرانی، سید مهدی ۲۱
۳. آیت اللهی، محمد ۲۳
۴. ابراهیمیان، حبیب ۲۵
۵. ابراهیمی نژاد، محمد مهدی ۳۵
۶. ابراهیمی نژاد، هادی ۳۷
۷. ابن الرضا، سید محمد ۳۹
۸. ابن الرضا، سید محمد علی ۴۳
۹. ابن الرضا، سید مهدی ۴۴
۱۰. اخلاقی، سید علی ۴۷
۱۱. اسکندری، حسین ۴۹
۱۲. اسکندری، مجتبی ۵۳
۱۳. اسکندری، مصطفی ۵۶
۱۴. اسلامی، سید ذبیح الله ۶۹
۱۵. افجه‌ای، سید عباس ۷۱
۱۶. امامی سده‌ای، سید مهدی ۷۳

- ۲۳۱ ۶۱. شہرستانی، سید جواد.
- ۲۳۳ ۶۲. شہرستانی، سید علی.
- ۲۳۵ ۶۳. صافی، آیت اللہ حاج شیخ لطف اللہ.
- ۲۳۷ ۶۴. صحاف، حبیب اللہ.
- ۲۴۰ ۶۵. ضیاء چمنی، ابراہیم.
- ۲۴۲ ۶۶. ظریف صادقیان، حسن.
- ۲۵۲ ۶۷. علامہ مداح، محمد.
- ۲۵۶ ۶۸. علم الہدی، ابراہیم.
- ۲۶۱ ۶۹. علوی بروجردی، سید جواد.
- ۲۶۲ ۷۰. مکی، سید علی.
- ۲۶۳ ۷۱. عمری، محمد علی.
- ۲۶۴ ۷۲. غروی، میرزا اسماعیل.
- ۲۶۶ ۷۳. غروی، حامد رضا.
- ۲۶۸ ۷۴. غضنفری، محمد رضا.
- ۲۷۰ ۷۵. غلامی، علی.
- ۲۷۲ ۷۶. فاضل کاشانی، محمد.
- ۲۷۷ ۷۷. فرج پور، مرتضی.
- ۲۷۹ ۷۸. فلسفی، میرزا علی.
- ۲۸۶ ۷۹. فلسفی، محمد تقی.
- ۲۹۶ ۸۰. فیاض، آیت اللہ حاج شیخ محمد اسحاق.
- ۲۹۷ ۸۱. قائمی، ابوالحسن.
- ۲۹۹ ۸۲. قاسمی، اسد اللہ.
- ۳۰۱ ۸۳. طباطبائی قمی، آیت اللہ حاج سید حسن.

۸۴. کاظمی، حبیب ۳۰۲
۸۵. کتابچی، سید مرتضیٰ ۳۰۷
۸۶. کربلایی، علی ۳۰۹
۸۷. کریمی جهرمی، علی ۳۱۲
۸۸. کظیمی، سید محمد مهدی ۳۱۷
۸۹. کیانی، رضا ۳۲۴
۹۰. لواسانی، محمد ۳۲۶
۹۱. مازندرانی، محمد علی ۳۲۸
۹۲. مامقانی، محمد رضا ۳۳۲
۹۳. مجتهدی، احمد ۳۳۷
۹۴. محدث زاده، میرزا محسن ۳۳۹
۹۵. محدث زاده، مهدی ۳۴۲
۹۶. مددی، سید محمد کاظم ۳۴۴
۹۷. مدرسی، آية الله سید محمد تقی ۳۴۶
۹۸. مدرسی، سید عباس ۳۴۸
۹۹. مقدسی، محمود ۳۵۱
۱۰۰. مقیمی خوانساری، محمد مهدی ۳۵۵
۱۰۱. ممیز، غدیر علی ۳۵۶
۱۰۲. موحدی، احمد ۳۵۸
۱۰۳. مؤمنی، سید محمود ۳۶۰
۱۰۴. مهدی پور، علی اکبر ۳۶۵
۱۰۵. میلانی، سید محمد علی ۳۶۷
۱۰۶. نوری همدانی، آية الله حاج شیخ حسین ۳۶۹

- ۳۷۰ واعظ زاده، عبدالحسین. ۱۰۷
- ۳۷۱ واعظ یزدی، عبدالله. ۱۰۸
- ۳۷۳ وجدانی، جواد. ۱۰۹
- ۳۷۸ وحید خراسانی، آیه الله حاج شیخ حسین. ۱۱۰
- ۳۸۹ ولائی، میرزا مهدی. ۱۱۱
- ۳۹۱ دیگران. ۱۱۲
- ۴۴۵ سایر آثار مؤلف. ۴۴۵

گفتار پیشین

سپاس سپاس پذیری را که آدمی را آفرید و نخستین لطف و عنایتش را به او، پس از ایجاد، عطای سمع و گوش و وسیله شنود برشمرد و فرمود:

﴿قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ (ملک ۲۳)

و آن را نخستین وسیله علم و دانایی و رفع جهل و نادانی قرار داد.

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (نحل ۷۸)

و چون شکر و سپاس، غایت و نهایت نعمت سمع و سایر نعمت‌ها ذکر شده، و شاکرین قلیل و کم شمرده شده‌اند، بر آن شدیم که سپاس نعمت سمع را با نشر بعض مسموعات با توجه به آیه کریمه: ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (اسراء ۳۶) تا حدودی ادا نماییم و بعض آموخته‌هایی که از مسیر سمع و گوش اندوخته‌ایم با آشنا ساختن خامه بر نامه در معرض ابصار و دیدگان اولوا الابصار قرار دهیم، باشد که هم ادای زکات باشد و هم شکر نعمت.

دوست دارم دیگر بار عزیزان به چند جهتی که در مقدمه کتاب اول «ماسمعت ممن رایت» آوردیم مراجعه نمایند و آنچه در این

کتاب می خوانند با توجه به آن جهات باشد.

مضاف بر آنچه در «سخنی پیش از سخن‌ها» در کتاب قبل آوردیم در این جا نکاتی را خاطر نشان می‌سازیم:

۱. استقبال و عنایت و توجه و اظهار مرحمت و محبتی که در طول این چند سال نسبت به کتاب اول شده است، خیلی بیش از انتظار نگارنده بی‌مقدار بود. در این جهت مراجع عظام، علمای اعلام، فقهای فخام، فرهیختگان حوزه و دانشگاه و سایر قشرهای مختلف جامعه که هر کدام شان جایگاهی خاص دارند، اظهار محبت و بذل مرحمت نمودند و شوق ادامه نگارش را بیشتر فراهم آوردند. از جمله آیت الله حاج شیخ لطف الله صافی پس از خواندن آن به نگارنده گفتند: بعضی از این جریان‌ها که در کتاب آورده‌اید به مراتب تأثیرش بیشتر از یک کتاب علمی است.

همچنین جناب آقای عبدالحسین طالعی یادداشتی را پیرامون کتاب منتشر ساختند:

نگاهی گذرا بر کتاب «ماسمعت ممّن رأیت»

این یادداشت مربوط است به کتابی با مشخصات زیر:
سید مجتبی بحرینی، ماسمعت ممّن رأیت (آنچه شنیده‌ام از آنان که دیده‌ام) مشهد: انتشارات آفتاب عالم‌تاب، ۱۳۹۵، ۶۵۰ ص.
در یک کلام مختصر بگویم: هر کسی که این کتاب را ببیند یا مرور گذرا کند، می‌پذیرد که دست کم آشنایی با مضامین آن برای تمام اهل علم و پژوهش لازم است. تاریخ شفاهی ضرورتی جدی است، که هنوز آن را جدی نگرفته ایم. البته خاطرات سیاسی کم نیست ولی خاطرات فرهنگی و علمی کمتر نوشته شده است. در این یادداشت

مختصر، قصد فهرست کردن چنین مواردی را ندارم، ولی فقط به ضرورت جدی آن اشاره می‌کنم که نمونه‌هایی مانند خاطرات عیسی صدیق یا محمد قاضی یا کتاب جرعه‌ای از دریا (آیت الله شبیری) که متأسفانه نمونه‌هایی کمیاب در تاریخ فرهنگ ماست. یک بخش از یادنامه آیت الله محمد علی اراکی که آقای استادی چاپ کرد، متن کامل جنگی مفید از ایشان است که حواشی دروس استادش آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری را آورده و بسی پر نکته است. کتاب «الکلام یجر الکلام» نوشته آیت الله سید احمد زنجانی همین گونه است. کاش کسی فهرست کاملی از این گونه کتاب‌ها تدوین می‌کرد که فواید بسیار در این کار هست.

نویسنده این کتاب، سابقه نگارش و نشر شصت جلد کتاب را در کارنامه‌اش دارد که در چند سلسله جای گرفته‌اند: مجموعه مهدویت در ۲۵ دفتر، مجموعه زیارت آل یاسین در ۴ دفتر، مجموعه مشاهد مشرفه در ۱۲ دفتر، مجموعه جهان دیگر (معاد) در ۱۲ دفتر، آشنایی با تفاسیر و مفسران در ۴ دفتر و...

این کتاب‌ها همه خوشخوان است و جنبه ترویجی دارد، با ابتکارهایی در نگارش که امروز بسیار لازم است. ولی کتاب «ما سمعت ممّن رأیت» گونه‌ای دیگر است. کتابی است که با ظاهر کشکولی خود، سفره‌ای متنوع و گسترده برای تمام اهل تحقیق گسترانده است. در این کتاب، صدها نکته از ده‌ها فرد شاخص (عالم، شاعر، خطیب، مرجع، کاسب و تاجر و غیره) نقل شده که نویسنده از آنان شنیده و در شصت و چهارمین سال عمر خود نگارش و تدوین آن را در قالب یک کتاب جالب به پایان برده است. غالب این شنیده‌ها را در

منابع چاپ شده نمی‌توان یافت. لذا با تمام فراز و فرودی که در آن است، در مباحث مختلف باید دید و پس از ارزیابی استفاده کرد. نویسنده خود در باره کتاب می‌گوید:

آنچه در این مجموعه آمده، گزیده‌ای است از مسموعات سی و چند ساله که بسیاری از آنها برای اولین بار قدم به عالم نشر می‌گذارد و چه بسا اثری از آنها در دیگر اثری یافت نشود.

در این وصف اغراق نیست اما مهم در این میان، همت نگارنده است که این پراکنده‌های گریزپا را به بند نگارش کشیده و به دیگران سپرده است.

نویسنده مطالب را حول محور گویندگان مرتب کرده است. مطالب منقول از ۵۸ تن در ۵۰۰ صفحه آمده و یک بخش پایانی با عنوان «دیگران» شامل مطالبی منقول از ۳۴ تن دیگر است که ۱۵۰ صفحه دارد. نام‌های آشنا از شخصیت‌های علمی نیمه دوم سده چهاردهم در این فهرست کم نیست. از برخی از اینان اثر مکتوب باقی نمانده، که «بسیاردان و کم نویس» بوده‌اند. مانند: میرزا مهدی ولایی فهرست نگار پیش‌کسوت کتابخانه رضوی (۷۵ صفحه). منقولات از کسانی که آثار مکتوب دارند، خارج از کتاب‌های شان است. گاهی نکته‌ای مهم در قالب یک حکایت آمده که راهی میان‌بر در پژوهش می‌گشاید.

نقل‌ها همه بی واسطه است مگر آن‌ها که واسطه داشته است. حتی از برخی دو گونه نقل می‌بینیم، گاهی مستقیم و گاهی با واسطه. این دقت نویسنده را نشان می‌دهد.

نویسنده لقب‌های رایج را حذف کرده مگر در مورد مراجع تقلید.

آنگاه فصول کتاب را بر اساس لقب گویندگان سامان داده است.

برخی از نکات کتاب:

نکته مهم در لباس طنز (ص ۱۲۰)،

دقت آیت الله بروجردی (ص ۱۲۷ - ۱۲۸)، رجوع ایشان به

صحیفه (ص ۱۳۲) نکته طنز از ایشان (ص ۱۷۰)، نظرشان در باب

شعر (ص ۲۹۰)،

درباره زیارت امین الله (ص ۱۶۰)،

نکته تاریخی از آیت الله میلانی (ص ۲۲۷)،

نکته‌ای حدیثی از علامه امینی (ص ۲۳۹)،

نکته علمی - عملی از علامه بلاغی (ص ۲۴۱)،

میرزای قمی و تذکر به جیحون یزدی (ص ۳۱۲)،

درباره امالی سید مرتضی (ص ۴۴۲)، عبقات الأنوار (ص ۴۴۴)،

تفسیر صافی (ص ۱۵۸)،

عالم ذر (ص ۳۸۱ - ۳۸۳)،

انگیزه تأسیس کتابخانه وزیری یزد (ص ۳۹۴)،

ادب محدث قمی در نگارش (ص ۳۷۳)،

تعبیر «بخ بخ» برای مسخره بودن تأیید (ص ۳۳)،

چند نکته که برای چاپ بعدی کتاب می‌تواند مفید باشد:

۱. نام افراد منقول عنه یا رجال مذکور در ضمن حکایات، باید

کامل نوشته شود تا در حالت اشتراک نام‌ها، خطا پیش نیاید. مانند

شیرازی (ص ۶۷)، شهرستانی (ص ۷۱)، حاج شیخ (ص ۱۱۰)

۲. شرح حال مختصر در مورد نام‌های یاد شده لازم است.

۳. نمایه نام‌ها و موضوع‌ها بسیار لازم است.

۴. نقل قول‌های مربوط به گذشته باید مستند شود، مانند نقل از مجلسی (ص ۶۵) یعقوب لیث (ص ۱۰۲)، احادیث ص ۴۰۳ تا ۴۰۶، ۳۸۵، ۵۱۲، ۵۹۷، ۲۵۵ و...

۵. توضیحات ضروری که به زمینه و زمانه بعضی مطالب مربوط می‌شود. مثلاً درباره یکی از عالمان گذشته آمده که «از مستبدین» بود. در اینجا توضیحی لازم است که این توصیف در مورد عالمان زمان مشروطه به معنای مخالفت با مشروطه است نه استبداد به معنای فعلی آن.^(۱)

* * *

۲. نوع آنچه گفته شده بار مثبت و جنبه تمجیدی دارد. متقابلاً بعضی هم نکاتی را در جهت نقد خاطر نشان ساخته‌اند که همه آن‌ها را نویسنده به سمع سپاس شنیده و از باب:

اگر با دیگرانش بود میلی چرا ظرف مرا بشکست لیلی
برشمرده است.

۳. آنچه در این مجموعه آمده، بخشی از پیش‌نویس‌های باقی‌مانده از کتاب اول است، و قسمتی از آن، گزیده‌ای از یومیّه‌ها از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۳ شمسی. عزیزانی که در انتظار یومیّه بوده‌اند و مکرّر پی‌جویی می‌نمودند آن را در همین مجموعه و مجموعه‌های بعدی پی‌گیرند و انتظار اثری مستقل به عنوان یومیّه نداشته باشند.

۴. در ترتیب نگارش و نقل مطالب همان روش الفبایی کتاب قبل مورد توجه قرار گرفته و در عناوین و مداخل از عناوین اعتباری و

القاب اصطلاحی بزرگان و عزیزانی که از آنان خاطره‌ای آورده‌ایم
استفاده نکرده‌ایم.

امید است این سیه مشق، چونان اثر قبل، از این سیه رو مقبول قلب
ارباب قلوب و منظور نظر صاحبان نظر قرار گیرد و از اشارات و
بشارات، نویدها و وعیدها و پندها و نصیحت‌های آموزنده آن همگان
بهره‌مند گردند.

در خاتمه از عرضه دیر هنگام دفتر دوّم به خاطر کثرت اشتغالات
و بعضی موانع، از همه عزیزان معذرت می‌خواهم. امید است در عرضه
دفتر سوّم همراه با نمایه هر سه دفتر جبران شود، ان شاء الله.

شب سه شنبه هفدهم ذی القعدة الحرام ۱۴۳۹

۹ / ۵ / ۱۳۹۷ شمسی

مشهد مقدّس - سیّد مجتبی بحرینی

۱. آبروشن، محمدرضا *

● در جمادی الاوّل ۱۴۱۳ ق، آبان ماه ۱۳۷۱، ایّام فاطمیّه که زاهدان بودم نقل کردند:

دوستان در نیمه شعبان مجلس جشنی به مناسبت میلاد مسعود امام عصر علیه السلام گرفته بودند و در انعقاد مجلس بسیار زحمت کشیده و شور و اشتیاق و حال و هوایی داشتند و خیلی امیدوار بودند که مجلس شان از فراسوی پرده‌ها مورد عنایت قرار گیرد. مجلس برگزار شد و خبری نشد. بعد از مدّتی یکی از رفقا گفت: من در عالم رؤیا شرفیاب محضر باهر النور آن وجود مقدّس شدم و عرض کردم: همه دوستان انتظار لطف و مرحمت داشتند، حضرت فرمودند: چون عکس فلانی بود نیامدم - و نام یکی از نویسندگان و گویندگان غیر روحانی را که انحرافات و لغزش‌هایی در گفته‌ها و نوشته‌هایش بود و جمع بسیاری متمایل به او بودند ذکر فرمودند - از خواب بیدار شدم آمدم هر چه جستجو کردم نشانی از عکس نیافتم. تعجّب کردم حضرت چنین فرموده‌اند و من نمی‌بینم، یک مرتبه متوجّه تقویمی که به دیوار بود شدم، ورق زدم در یکی از صفحاتش آن عکس بود.

این جریان را که نوشتم به یاد آنچه در کتاب قبل در همین زمینه از مرحوم آیت فقید حضرت آقای خندق آبادی آوردم افتادم^(۱) که این گونه امور گویای لطافت و رقت و حساب و دقت فراسوی پرده‌هاست و خیلی باید مراقب بود، به قول مرحوم حاج شیخ محمد حسین اصفهانی: یار غیور است و نیست نام و نشانی ز غیر.^(۲)

● همچنین ایشان می‌گفتند: وقتی آقای حلبی^(۳) زاهدان منبر می‌رفتند و اوّل منبر دعای «اللّهم کن لولیک الحجّة بن الحسن...» را با همان وضعی که خاصّ خود ایشان بود می‌خواندند، می‌گفتند: شیطان دشمنی بسیار قوی است و هر کس را از راه خودش اغوا و گمراه می‌سازد، با خواندن این دعا خودمان را در حصن حصین آن وجود مقدّس قرار می‌دهیم تا شیطان نتواند متعرّض ما شود.

● همچنین از مرحوم آقای حلبی نقل کردند که ایشان از یکی از اساتیدشان نقل می‌کردند که یک سال روزها روزه گرفت و شب‌ها احیا داشت که توفیق تشرّف به محضر امام عصر علیه‌السلام نصیبش شود و از حضرتش خواستار دست مایهٔ حلالی گردد. سرانجام شبی در خواب دید به او فرمودند: به فلان محل که دکان کوچکی است بیا. او هم رفت. چشمش که به حضرت افتاد خشکش زد، مات و مبهوت. حضرت فرمودند: چه می‌خواهی؟ حاجتش را عرض کرد، پول سیاهی به او مرحمت کردند، به نظرش رسید که کم است، اوضاع عوض شد، دید کسی نیست. از آن صاحب مغازه که هندوانه‌های خراب را برای

۱. ما سمعت ممتن رايت ۱۱۵.

۲. دیوان مفتقر ۷۸.

۳. شرح حال و خاطراتی از ایشان را در کتاب اوّل صص ۹۳ - ۱۰۱ آورده‌ایم.

فروش قاچ کرده بود تا کسی گول نخورد، پرسید: این آقا که بود؟ او
گفت: نمی‌دانم، آقایی است گاهی می‌آید و پولی به من می‌دهد و
می‌رود. آری، باید گفت:

آینه شو وصال پری طلعتان طلب

اول بروب خانه سپس میهمان طلب (۱)

و باید سرود:

غسل در اشک زدم کاهل طریقت گویند

پاک شو پاک، سپس دیده بر آن پاک انداز (۲)

و همچنین خواند:

هرچه هست از قامت ناسازبی اندام ماست

ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست (۳)

۱. دیوان صائب تبریزی، از غزل ۴۳۱.

۲. دیوان حافظ، از غزل ۲۲۷.

۳. دیوان حافظ، از غزل ۸۴.

این نوشتار
دومین کتاب از مجموعه
مسمعت است
و چونان کتاب اول
چه بسا بسیاری از مکتوباتش
برای نخستین بار
مسموع و گوش نواز باشد،
امید که آویزه گوش دل همگان
قرار گیرد
و از آن بهره‌ها برند...

